

## کارکرد طنز و تهکم در ادبیات پایداری دوره مشروطه

مرضیه قاسمی جوجیلی<sup>۱</sup>، محمدرضا یوسفی<sup>۲\*</sup>، رضا فهیمی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

<sup>۲\*</sup> دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم، قم، ایران.

<sup>۳</sup> دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

نویسنده مسئول: Email: [myousefi46@yahoo.com](mailto:myousefi46@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۳ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۴

### چکیده

یکی از دوره‌های درخشان شعر پایداری فارسی عصر مشروطه است؛ زیرا شاعران از ابزار شعر به بهترین نحو در تنویر افکار مردم و بیان حقوق اولیه‌ای که قرن‌ها از آن محروم بودند استفاده کردند. یکی از روش‌های تاثیرگذار، شیوه طنز است. در این روش، تلخی نقد حکومت و انتقادهای اجتماعی با شیرینی حاصل از شوخ‌طبعی گرفته می‌شود. از دیرباز استعاره تهکمیه از مرسوم‌ترین شگردهای طنزهای اجتماعی بود، در دوره اخیر، تحت تأثیر ادبیات فرنگی، آبرونی نیز بر آن افزوده شد. در این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی کارکرد طنز خصوصاً استفاده از استعاره تهکمیه در شعر پایداری مشروطه با تکیه بر اشعار فرخی یزدی و عارف قزوینی بررسی شده است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد شاعران در پنج محور: نقد دولتمردان اعم از شاه و وزیر و وکیل؛ نبود آزادی بیان، آزادی‌های فردی و اجتماعی؛ ظلم و ستم حکام بر کشور و ملت؛ تقبیح دخالت‌های بیگانگان مشخصاً روسیه و انگلستان؛ برجسته‌سازی جهل و غفلت و بی‌سوادی مردم با زبان شیرین طنز، فرمانروایانی را که خدایان خودساخته بودند به سخره گرفته‌اند. کارکرد استعاره تهکمیه نوعی راه‌گریز شاعر از عواقب نقدهای تند و تیز ارباب قدرت به شمار می‌رود؛ زیرا می‌توان آن را به شوخی و مطایبه هم تفسیر کرد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد نقد طبقه حاکمه بیشتر در قالب آبرونی پژواک دارد و بازتاب ستم آنان بر مردم در شگرد تهکم و تقابل بیان شده است. ضمن اینکه موضوعاتی مانند انتقاد از دخالت بیگانگان در شکل طنز کلامی یا تهکم تعبیری جلوه نموده است.

**کلیدواژه:** شعر پایداری؛ ادبیات مشروطه؛ طنز؛ تهکم؛ فرخی یزدی؛ عارف قزوینی.

### ۱- مقدمه

دوره مشروطه دوره گذار از سنت به مدرنیته است. پیشرفت‌های علمی جهانی و آشنایی مردم ایران با آن، سبب شد مضامین جدیدی وارد ایران شود. مطرح شدن موضوعاتی مانند آزادی، مردم‌سالاری، قانون، حقوق فردی و اجتماعی در ادبیات و شعر فارسی هم وارد شد. نبودن یا کم بودن آزادی بیان و فشار سیاستمداران و زورمندان باعث شد در برهه‌ای از زمان شاعران ناچار شدند در قالب آرایه‌های ادبی و در پوشش و لفافه‌ای که در نگاه نخست مطالبات بر حق و نقدهای اجتماعی حقیقی در آن دیده نشود بیان کنند. شگرد طنز و بهره بردن از زبان طنز و شوخ طبعی همیشه طرفداران زیادی در جامعه داشته است. به همین جهت انواع شگردهای آن نظیر تهکم، شوخی، هجو، هزل، آبرونی، کنایه، استعاره عنادیه و تهکمیه در ادبیات مشروطه کاربرد دارد. در طنز اصالت با زیبایی باطنی است نه زیبایی ظاهری؛ زیرا صورت و معنا با هم درآمیخته‌اند و از هم تفکیک نمی‌شوند. از آنجا که طنز وسیله تفکر و تأمل درباره واقعیت‌ها و موثر در تغییر وضع مطلوب است از استعاره، کنایه و ایهام بسیار بهره می‌گیرد. نکته قابل تأمل ماجرا آنجایی است که شاعران مضامین پایداری را در قالب طنز و تهکم ریخته به مخاطب خویش انتقال می‌دهند. در این نوشتار کارکرد طنز و استعاره تهکمیه و زیرشاخه‌های آن در شعر پایداری دوره مشروطه با تکیه بر سروده‌های دو شاعر این عصر یعنی فرخی یزدی و عارف قزوینی بررسی می‌گردد.

### ۱-۱- بیان مسأله

این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که در عصر مشروطه شاعران از کدام یک از شگردهای مرسوم طنز برای تنویر افکار مردم و تهییج آنان به حضور در صحنه اجتماع و پایداری در برابر ارباب قدرت بهره برده‌اند.

### ۲-۱- سوالات تحقیق

ضرورت و اهمیت این پژوهش، پاسخ به این سوالات است:

۱. کارکرد طنز در اشعار دوره مشروطه بیشتر جنبه سرگرمی و شوخی دارد یا اغراض دیگری را در پی دارد؟
۲. شاعران دوره مشروطه کدام اشخاص یا گروه‌ها را مورد حمله قرار داده‌اند و هدف‌شان چه بوده است؟
۳. شاعران دوره مشروطه از چه خط فکری پیروی می‌کرده‌اند؟

### ۳-۱- فرضیه‌های تحقیق

۱. به نظر می‌رسد کارکرد طنز در شعر مشروطه بیشتر جنبه روشن‌گری داشته زیرا اوضاع حاکم بر جامعه کمتر به شاعر اجازه می‌داده است بی‌پروا سخنش را بگوید.
۲. بررسی اولیه حاکی از آن است که طبقه حاکمه به ویژه شخص شاه، نخست وزیر و کابینه و نیز نمایندگان مجلس بیش از همه هدف حملات طنزآمیز شاعران قرار گرفته‌اند و هدف از این حمله‌ها، عملکرد غلط آنان در مواجهه با مردم از یک‌سو و اجازه دادن به بیگانگان برای مداخله در امور داخلی بوده است.
۳. و به نظر می‌رسد خط فکری آن‌ها از یک منبع سرچشمه می‌گیرد و آن وطن‌دوستی و آزادی، بوده است.

### ۴-۱- پیشینه تحقیق

در این موضوع پژوهش‌های متنوعی انجام گرفته که می‌توان به آن‌ها اشاره کرد: عزت الله مولایی نیا؛ رسول دهقان صاد؛ مرضیه سادات کدخدایی (۱۳۹۲)، در مقاله «بررسی اغراض بلاغی اسلوب‌های تهکم و استهزاء در قرآن کریم» به بررسی اغراض بلاغی در قرآن پرداخته و بر این باورند که بررسی این اغراض در کشف مقاصد هدایتی قرآن موثر است. سهراب مروتی و قدرت ذوالفقاری فر (۱۳۸۴)، در مقاله «طنز در قرآن کریم» گفته‌اند خداوند از طنز به عنوان یک شیوه موثر برای انداز بهره گرفته و با شیوه‌هایی نظیر تهکم، تمثیل و تشبیه طنز را به کار برده است. غلامحسین غلامحسین زاده و زهرا لریستانی (۱۳۸۸)، در مقالات شمس، آبرونی را نوعی دوگانگی بیانی خلاف انتظار یا استنباط خلاف مقصود دانسته و انواع آبرونی را در مقالات شمس تبریزی بررسی نموده‌اند. به نظر نویسندگان روش شمس در کاربرد آبرونی اصلاً تصنعی نیست و او برای برجسته کردن سخنش از آبرونی استفاده کرده است. عبدالامیر چناری (۱۳۸۴)، در مقاله «طنز در شعر حافظ» طنز را به عنوان یک عنصر بلاغی در شعر حافظ بررسی نموده و آن‌ها را در ۱۲ اسلوب طبقه‌بندی کرده است. به استناد این مقاله طنزهای حافظ را می‌شود در دو دسته حکومتی و دینی از نظر محتوا و مضمون تقسیم‌بندی کرد. نویسندگان بر این باور است که صورت طنزهای حافظ غالباً حاصل گرد آمدن عناصر ناسازگار، جانبداری از باطل و مغالطه عمدی به گونه ظریف و پنهان است.

توضیح این‌که پژوهش‌های مذکور چندان ارتباطی با موضوع این مقاله ندارد و پژوهش حاضر در نوع خود مسبق به سابقه نیست.

### ۵-۱- روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی بر مبنای داده‌های کتابخانه‌ای به بررسی و تحلیل کارکردهای طنز و تهکم در شعر پایداری دوره مشروطه می‌پردازد.

## ۲- بحث و بررسی

در سر آغاز بحث لازم است ادبیات پژوهش به خواننده معرفی گردد تا بتواند زودتر و بهتر با متن نوشتار و اغراض نویسندگان آن ارتباط برقرار کند.

### ۲-۱- ادبیات پایداری

مفهوم مقاومت، پایداری و دفاع، مفهومی عام در فرهنگ ملت‌هاست. این مفهوم در میان تمام ملل آزاده مفهومی کاملاً ارزشی تلقی می‌شود؛ زیرا یک واکنش ارادی و آگاهانه در برابر تهاجم ظالمانه است. از منظر ادب مقاومت، پایداری، دفاع، جنگیدن، کشتن، ویران کردن و کشته شدن موضوعاتی حاوی ارزش تلقی می‌شود؛ اما از منظر ادب جنگ، همین موضوعات ضد ارزش، منفی، نفرت آور و سبعانه است (کاکایی، ۱۳۸۵: ۹). ادبیات پایداری به مجموعه آثاری اطلاق می‌شود که از زشتی‌ها و پلشتی‌های بیداد داخلی یا تجاوزگر بیرونی، در همه حوزه‌های سیاسی فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی با زبانی هنری سخن می‌گوید. برخی از این آثار پیش از رخ نمودن فاجعه، برخی در میان جنگ یا پس از گذشت زمان، به نگارش تاریخ آن می‌پردازد (شکری، ۱۳۶۶: ۱۰). یکی دیگر از پژوهشگران و نویسندگان عرصه ادبیات پایداری در تعریف این ادبیات می‌نویسد: ادبیات مقاومت در معنای جنگ با بیگانه، بازتاب روحی - روانی نسلی است ایستاده در مقابل یک رویداد تاریخی و نشان از مشارکت و مباشرت آن نسل در همدلی و همراهی یکدیگر در برابر آن رویداد دارد. (کاکایی، ۱۳۸۵: ۹) ادبیات پایداری عبارت است از آثاری که تحت تاثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون ستیزی و... در برابر پایگاه‌های قدرت شکل می‌گیرند. بنابراین جان‌مایه این آثار با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی از همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است. به عبارتی ساده‌تر، سروده‌ها و نوشته‌هایی که موضوع اصلی آن دعوت مردم به مبارزه و پایداری در برابر متجاوزین باشد، تحت عنوان ادبیات پایداری و مقاومت قابل تقسیم بندی است (گوهری، ۱۳۹۲: ۲۱).

### ۲-۲- طنز

طنز واژه‌ای است که هر کسی تعریفی از آن در ذهن دارد و در بسیاری از اوقات با واژه‌های دیگر اشتباه گرفته می‌شود و به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. طنز با بذله (استهزا و مسخره)، مطایبه (با هم شوخی کردن)، مزاح (خوشمزگی) فکاهه (خوش طبع بودن). فکاهه و هزل دارای جنبه عمومی است. لطیفه (نکته نغز، سخن نیکو)، هزل (بیهودگی) و هجو (نکوهدن) متفاوت است و هر واژه معنا و جایگاه خاص خود را دارد. طنز در لغت به معنای ریشخند، مسخره کردن، ناز کردن، طعنه‌زدن مسخره، طعنه، سرزنش و ناز، سخن به رموز گفتن، سخریه، عیب کردن، لقب کردن، به کسی خندیدن و فسوس کردن است و در اصطلاح: انتقادی سازنده، دوپهلوی و چندلایه است که ظاهری خنده‌دار دارد و در باطن آن منطق و استدلال نهفته است. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «طنز سخنی جدی و تفهیم حقیقت بدون تلخی و با لعاب نازک‌اندیشی و نازک‌گویی، ظریف‌کاری و لطیفه‌پردازی است و با مقوله فکاهی و مطایبه متفاوت است و این امر باید در موضوعات گوناگون مورد توجه قرار گیرد» (روزنامه همشهری پنجشنبه ۱۱ مرداد، ۱۳۷۵). طنز انواع مختلفی دارد مانند طنز تمثیلی، تفسیری، سیاسی، اجتماعی، مذهبی، ادبی و... دکتر شفیعی تصویر هنری اجتماع نقیضین و ضدین را طنز می‌نامد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۵۰) خرمشاهی در تعریف طنز می‌نویسد: «کلامی است که به دلایل مختلف از جمله نفی عادات و آداب خشک و خشن و سنگین و فشارآور یا تجاهل‌العارف و خود را به کوچۀ علی چپ زدن یا مغالطه یا حسن تعلیل یا آوردن عذر بدتر از گناه پدید می‌آید» (خرمشاهی، ۱۳۸۴: ۷۴)

طنز را سه عنصر اصلی می‌سازد: خنده مایه، انتقاد اجتماعی و اصلاح طلبی. طنز و عناصر آن از دو منظر قابل بررسی است: نخست از منظر نقد جامعه‌شناسانه که با نگاه اصلاح‌گرایانه به جامعه و مسائل اجتماعی، در پی نشان‌دادن نقایص و کمبودهاست، از سوی دیگر نگاه زیباشناسانه به طنز است که بر عناصر و شگردهای طنزپردازی و ابعاد هنری آن تأکید می‌کند. نکته اساسی در کار طنزپرداز آن است که باید علاوه بر تحقق اهداف اصلی خود، به اندازه‌ای متنوع و طنازانه عمل کند که رضایت مخاطب را جلب کند. جلب نظر مخاطب تا اندازه بسیاری به شگردهای هنری و سبک طنزپردازی نویسنده‌ای بستگی دارد که مخاطب را در حال و هوای طنز قرار می‌دهد. (توکلی مقدم و دیگران، ۱۳۹۳: ۷)

طنز از جنبه‌های مضمون، تقسیمات گوناگونی را می‌پذیرد؛ که در ذیل به آنها اشاره می‌شود؛ ۱. طنز فردی؛ این گونه طنز، بیشتر به صورت هجو نمایان شده است. ۲. طنز فلسفی؛ نمونه این طنز را می‌توان در برخی از ابیات حافظ مشاهده کرد؛ که چون و چرایی در کار جهان را پیش می‌کشد. ۳. طنز عرفانی؛ این گونه طنز در آثار عطار نیشابوری و مولوی و برخی دیگر از ادبا به چشم می‌خورد. ۴. طنز اجتماعی؛ این نوع طنز، آن قدر حایز اهمیت است؛ که برخی، طنز را منحصر در آن کرده‌اند و واژه طنز را متبادر در این نوع طنز می‌دانند. ۵. طنز سیاسی؛ این نوع طنز، در زمان‌های گذشته اغلب از زبان دلچک‌های درباری و دیوانه‌نمایان شنیده می‌شد و پس از آن نیز در آثار ادبای گوناگون مانند حافظ و عبید زاکانی نمود پیدا کرد. ۶. طنز خانوادگی؛ این نوع طنز جدید است؛ که بر اثر توسعه شهرنشینی به وجود آمده است. (صالحی ساداتی و فولادی، ۱۳۹۵: ۱۷۳۳).

### ۲-۳- استعاره

از ریشه "ع و ر" به معنای عاریه خواستن و عاریه گرفتن از اصطلاحات علم بیان است. در تعریف استعاره گفته‌اند: کاربرد لفظ در معنای غیر حقیقی آن همراه با علاقه تشابه میان معنای حقیقی و مجازی و قرینه‌ای که مانع از اراده معنای حقیقی شود. استعاره نوعی مجاز لغوی بر مبنای علاقه مشابهت است. مثلاً کسی به انسان شجاعی بگوید شیر؛ رابطه میان معنی حقیقی (شیر) و معنی مجازی (انسان شجاع) شباهت است. استعاره را تشبیه مختصر نیز نامیده‌اند؛ یعنی تشبیهی که یکی از دو رکش (مشبه یا مشبه‌به) حذف شده. این تعریف استعاره از زمان عبدالقاهر جرجانی رایج بوده است. استعاره انواع مختلفی دارد از جمله مرشحه، مصرحه، مکنیه، وفاقیه، عنادیه یا تهکمی.

### ۲-۴- مجاز

یعنی به کار بردن کلمه در معنای غیر حقیقی خود. شرط مجاز وجود قرینه و علاقه (رابطه) بین معنی حقیقی و معنی مجازی است. مهم‌ترین نوع مجاز، استعاره است زیرا بر پایه تصویرسازی و تخیل است. استعاره مربوط به دانش بیان است زیرا در بیان فقط ابزار تصویرسازی و تخیل مد نظر است، اما دیگر انواع مجاز در علم معناشناسی بحث می‌شود. مجاز در اسم است نه در فعل، اگر در فعل رخ دهد فعل به عنوان مصدر (اسم) تاویل می‌گردد.

### ۲-۵- علاقه تضاد:

زمانی است که واژه‌ای متضاد در معنای ضد آن به کار رود. مثال: چه عالی؟ (چقدر افتضاح و بد است). مجاز با علاقه تضاد استعاره تهکمی نامیده می‌شود.

### ۲-۵-۱- استعاره تهکمی

تهکم یعنی مسخره. در لغت‌نامه تهکمی [تَهَكْهَكْ] (ص نسبی) فسوسی. مسخره‌ای. بودم حکیم سوزنی از چند سال باز تا سالمنند گشتم و گشتم تهکمی، سوزنی (یادداشت به خط مرحوم دهخدا)

استعاره تهکمی یکی از اقسام استعاره عنادیه است. «تهکم» در لغت به معنای استهزا و در اصطلاح علمای بلاغت، سخنی است که در ضد معنای ظاهری یا مخالف آن استعمال شود؛ مثلاً در ظاهر جدی است ولی در باطن شوخی؛ ظاهرش ستایش و باطنش نکوهش است.

### ۲-۵-۱-۱- استعاره عنادیه

استعاره به اعتبار امکان اجتماع مستعاره و مستعار منه و عدم آن، دو نوع است: ۱. استعاره عنادیه. ۲. استعاره وفاقیه. استعاره عنادیه آن است که اجتماع مستعاره و مستعار منه ممکن نباشد، و آن نیز بر دو قسم است: استعاره تهکمی و استعاره تملیحیه. این دو در جایی است که ضدین یا نقیضین به جای هم آورده شوند، که اگر به قصد «تهکم» و «استهزا» باشد استعاره تهکمی نامیده می‌شود؛ و اگر به قصد مزاح باشد آن را استعاره تملیحیه گویند، مانند:

۱. فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (آل عمران/ ۲۱). در این جا «بشارت» که به معنای خوش‌خبری است، برای ضدش (انذار) استعاره آورده شده است تا افاده تهکم و استهزا کند.

۲. إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ (هود/۸۷) که قوم شعیب در مقام استهزا و تملیح، به وی گفته‌اند.

مثلاً اگر درباره شخص ترسو گفته شود: "رایت اسدا" یا درباره انسان ممسک بگویند: "رایت حاتما" به قصد تملیح و تهکم به کار رفته است.

آنچه در برخی از کتاب‌های بلاغی در باره بعضی از استعاره‌ها از جمله «استعاره عنادیه» آمده بر مبنای تشبیه نیست یعنی نمی‌توان اساساً با واژه‌ای که مستعار نامیده‌اند تشبیهی ساخت و آن را یک طرف تشبیه قرارداد در نتیجه جامع یا وجه شبهی نیز در میان نخواهد بود تا عکس آن برای طنز یا تمسخر به کار گرفته شود. از فروع استعاره عنادیه، استعاره تهکمیه است که در طنز به کار می‌رود. در این استعاره ربط بین مستعارله و مستعار منه کمال تضاد است نه شباهت و از این رو بهتر است مجاز به علاقه تضاد گفته شود (آقاحسینی، ۱۳۸۲ شماره ۳). استعاره عنادیه را متضاد استعاره وفاقیه می‌دانند معمولاً این دو را همراه با یکدیگر ذکر می‌کنند. استعاره عنادیه آن است که جمع مابین مستعار منه و مستعارله ممکن نباشد مانند بَشْرُهُمْ بَعْدَابِ الْيَمِّ. بشارت در اصل به معنای خیر خوش دادن است، در این مورد به قصد تهدید و بیم دادن استعاره شده است. از آنجا که مابین بیم و امید موافقت نیست به این مناسبت آن را استعاره عنادیه گفته‌اند (همای، ۱۳۷۰: ۱۸۶). استعاره تهکمیه از همین نوع استعاره است که در ضد و نقیض معنای حقیقی‌اش استعمال شده است. سیروس شمس‌یا در این باره گفته: از فروع استعاره عنادیه، استعاره تهکمیه است که در طنز به کار می‌رود و در این نوع از استعاره ربط بین مستعارله و مستعار منه کمال تضاد است و نه شباهت و از این روست که می‌گوییم بهتر است آن را مجاز به علاقه تضاد بخوانیم (شمیسا، ۱۳۸۷: ۱۳۵). بنای استعاره عنادیه بر طنز و تمسخر است به همین خاطر با تشبیه طنز نزدیک است.

تشبیه طنز چنان است که شاعر چیزی را به چیزی تشبیه کند که در عرف عکس آن ظاهر باشد و آن را به نوعی توجیه کند که رفع آن مغالطه گردد یا ممکن است سیاق و شیوه کلام اساساً طنز گونه باشد مثلاً در داستان موش و گربه آمده است:

|                             |   |
|-----------------------------|---|
| ناگهان موشکی ز دیواری       | جست بر خم می خروشانا                        |
| سر به خم بر نهاد و می نوشید | مست شد همچو شیر غرانا (آقاحسینی، ۱۳۸۲: ۱۲۹) |

## ۲-۵-۱-۲- استعاره وفاقیه

آن است که اجتماع طرفین استعاره در یک چیز قابل جمع باشد. به عبارت دیگر استعاره وفاقیه آن است که جمع مابین مستعار منه و مستعارله ممکن باشد مانند او من کان میتا فاحیینه (ضالاً هدیانه) (تفتازانی، ۱۴۱۱: ۳۶۴).

## ۲-۶- آبرونی

«آبرونی در کنار تشبیه، مجاز مرسل و استعاره، یکی از مجازهای اربعه در بلاغت اروپایی است و آن کلامی است که ظاهرش جدی، ولی معنایی دارد خلاف مقصود گوینده که طعن آلود و سخره‌آمیز به نظر می‌آید. بنیاد آبرونی بر ناسازگاری میان سخن با موقعیت بیان آن است» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۱۰)

قدیمی‌ترین تعریفی که درباره این صنعت ادبی در روم قدیم آمده؛ عبارت است از: آبرونی، یک صنعت بلاغی و یک سبک گفت‌وگوست که در آن اغلب، کلمات و معانی با هم تفاوت دارد. پس از آنکه هجونویسی در قرن نوزدهم از رونق افتاد، آبرونی به عنوان روش اصلی و مهم بلاغت به شمار نمی‌آمد، اما در سخن، شعر، نثر و نمایشنامه روش عادی خود را طی می‌کرد (توکلی مقدم و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰). تهکم در بیان فرنگی قسمی آبرونی irony به شمار می‌رود. در ضمن از نظر نویسنده، لحن کلام در این نوع طنز مهم است (داد، ۱۳۸۳: ۷۱۳). یکی از ابزارهای آشنایی‌زدایی و برجسته‌سازی در زبان، آبرونی است که ساختار طبیعی زبان را با تغییر در حوزه دلالت‌ها، غیر طبیعی می‌سازد. آشنایی‌زدایی به وسیله آبرونی از طریق دگرگونی ساختارهای شناخته شده و غافلگیری مخاطب صورت می‌گیرد. آبرونی، دواگنگی لفظ و معنا یا صورت و محتواست که غالباً بر پایه تضاد یا تناقضی غیر منتظره و گاه خنده‌آور پدید می‌آید (غلامحسین زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۲ و ۱۳).

آبرونی زمانی ایجاد می‌شود که خواننده معنای يك گزاره را بر خلاف آنچه شاعر به ظاهر گفته، استنباط می‌کند و مقصودی را برعکس آنچه در شعر بیان شده است، به شاعر نسبت می‌دهد (پاینده، ۱۳۸۵: ۴۰). میرصادقی نیز، آبرونی را طعنه، طنز، کتمان حقیقت و اثبات چیزی با نفی متضاد آن ترجمه کرده و آن را از انواع ریشخند برشمرده است (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۱۳۷).

آبرونی هر چند شباهت‌هایی با کنایه فارسی دارد، اما تفاوت‌های فراوانی بین این دو مقوله دیده می‌شود. راه یافتن آبرونی تأمل در حوادث نامنتظره و کشف-های ناگهانی در اثر است؛ زیرا امور غیر منتظره ناگهانی گاه نحوه تلقی ما را از متن تغییر می‌دهد و معنا یا برداشت دیگری ایجاد می‌نماید که باعث آبرونی می‌شود.

هر چند آیرونی از موضوعاتی است که در ادبیات ما نسبتاً ناآشناست، اما آیرونی عملاً در آثار ادبی فارسی به شیوه‌های مختلف و در زمان‌های متفاوت وجود داشته و دارد. کنایه در ادبیات فارسی و آیرونی در ادبیات انگلیسی نوعی شگرد ادبی است که معمولاً شاعران و نویسندگان برای ایجاد مفاهیم عمیق شاعرانه و هنری و همچنین برای نشان دادن عواطف و احساسات خود از آن بهره می‌گیرند. گاهی شاعر برای بیان شاعرانه مفاهیم انتقادی، اندیشه‌های سیاسی، افشای ریاکاران و غیره از شیوه طنز، تهکم و تعریض، بهره برده آن را در قالب استعاره تهکمیه، آیرونی و پوشیده به تصویر می‌کشد. ایجاد آیرونی بر تضاد در میان دو واژه، دو معنی یا در کاربرد آن‌ها روی می‌دهد. پایه و اساس خلق آیرونی بر تضاد و ناسازگاری عناصر متن استوار است. در عین حال پارادوکس نیز به کارگیری دو واژه متناقض است. با ایجاد این تناقض‌نمایی و گاه باعث ایجاد آیرونی و ارزش دو چندان این صنعت می‌گردد (شبان قوچان عقیق، ۱۳۹۹: ۱۹۲). آیرونی ناشی از نوعی پیچیدگی حاصل از ایهام کلام است که تضادهای درون معنا را گسترش می‌دهد و اتفاقات معنایی را چند وجهی می‌کند، به طوری که در یک معنای کلی شاهد مجموعه‌ای از مفاهیم و اتفاقات معنایی متضاد هستیم (بهره‌مند، ۱۳۶۱: ۱۶).

آیرونی ناشی از حاصل پیچیدگی نوعی از هنجارگریزی و قاعده‌افزایی یکی از شیوه‌های برجسته‌سازی متون است که با شیوه‌های گوناگون انجام می‌شود و خروج کلام از مقتضای حال و استعمال لفظ در معنای ضدّ و نقیض خود از مهمترین روش‌های آن است. در چنین کاربردی، هدف گوینده یا نویسنده، تسلیم شنوندگان و تأثیرگذاری بیشتر بر روی مخاطب است (مولایی نیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۳). گاهی نیز این کار با ذکر صفات مثبت برای شخصیت‌های منفی صورت می‌پذیرد که می‌توان آن را مجاز به علاقه تضاد خواند. به عبارت دیگر تسمی الشیء بضده. ذمّ شبیه به مدح. کاربرد آیرونی گاه در دایره و سطح واژگانی است. در این نوع طنز، شخص با بیان صریح و روشن آشکار می‌نماید که هدف او خلق وضعیتی متفاوت است. هرگاه این نوع کاربرد با طعن، طنز و هجو همراه باشد، با مفهوم تهکم ارتباط پیدا می‌کند (حاتمی، ۱۳۹۵: ۹۳).

چنان که بیان شد شیوه‌های طنز در عین اینکه متفاوت است گاه بسیار به هم نزدیک و متداخل است. به عبارت دیگر دایره شمول آنها عموم و خصوص من وجه و گاه عموم و خصوص مطلق است. از آنجا که موضوع این نوشتار، کاربرد طنز و تهکم و جایگاه آن در شعر پایداری مشروطه است و شیوه‌های به کارگیری آن خارج از شمول این پژوهش است در این مقاله فقط کاربرد طنز - فارغ از نوع، نحوه، شگرد و... آن بررسی می‌گردد.

## ۲-۷- نقد دولت مردان

### ۲-۷-۱- شاه

از قدیم الایام پادشاهان خود را سایه خدا و صاحب قدرت بلامنازع و دارای اختیار نامحدود قلمداد می‌کردند. به عبارت دیگر آنان خود را نه فقط شاه مملکت بلکه صاحب کشور و مالک جان و مال و ناموس ملت می‌دانستند. عارف قزوینی با اذعان به این قدرت بی‌منازع حاکمان با طنزی گزنده، به داستان سلیمان نبی و عفریت جن که خود را به جای او جا زد گفته است سلیمان ما اهریمن در آمد:

آن کسی را که در این ملک سلیمان کردیم      ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است (عارف؛ ۱۳۶۴، ۲۰۲)

فرخی یزدی به داستان حضرت موسی (ع) تلمیح دارد. در آن داستان به خواست ایزد تعالی، بنی اسرائیل به سلامت از رود نیل گذشتند ولی فرعون و سپاهش غرق گشتند. وی با کاربرد طنز آمیز قبلی گیتی و ترکیب بدیع مصر ما، افسوس می‌خورد که چرا فرعون‌های ایران همچنان بر اریکه قدرتمند.

با آنکه گشت قبلی گیتی غریق نیل      در مصر ما فراعنه فرمانروا هنوز (فرخی؛ ۱۳۶۳: ۱۵۰)

شاعر با کاربرد شگرد طنز اعتقادی با بهره‌گیری از موسیقی حروف دو واژه "صمد" و "صنم" گفته است حاکم ما با ظاهری خداجویانه آمد ولی در باطن بت پرست بود. قطعاً اگر طنز در این مضمون‌سازی دستمایه فرخی قرار نگرفته بود این بیت چنین تأثیرگذار نمی‌شد!

وآن که ما او را صمدجو سال‌ها پنداشتیم      در نهانش صد صنم پیچیده در دستار بود (فرخی؛ ۱۳۶۳: ۱۲۲)

وی در انتقاد از رضاخان با بهره‌گیری از کنایه طنز آمیز و کاربرد اصطلاحات عامیانه گفته است:

اسرار نهفته گر بگویی بهتر      وین راز نگفته گر نهفتی بهتر  
گر بهر زمامدار امروزی نیست      سرمایه ای از پوست کلفتی بهتر (فرخی؛ ۱۳۶۳: ۲۴۱)

به روزگار رضا هر که را که من دیدم  
ای شحنه بکش دست ز مردم که در این شهر  
هزار مرتبه فریاد نارضائی داد  
غیر از تو کسی نیست که آشوب نماید  
(فرخی؛ ۱۳۶۳: ۱۳۲)

عارف برای بیان بهتر موضوع، از شگرد داستان و تمثیل بهره گرفته است. او در تبیین زمامداری ناشیانه احمدشاه قاجار، حکایتی از سر تراشیدن یک دلاک بی تجربه را می آورد که همیشه سر و صورت مشتری را می برد.

گفت آخ استاد ببردی سرم  
پنبه می چسبانمش تا خون ریش  
هی ببردی آن و هی از جیب خویش  
پوست از آن سر همه تاراج کرد  
گفت سر این سر از بی صاحبی است  
تا تو دلاکی یقین دان مرده شوی  
تیغ دادن بر کف دلاک مست  
آن کند زخمی سر و این سر برد  
گفت: راحت باش تا من سرورم  
از سر خونین نریزد روی ریش  
پنبه می چسبانند بر آن زخم ریش  
صفحه سر دکه‌ی حلاج کرد  
ز آن تو پنداری کدو یا طالبی است  
جمله سرها را برد بی گفتگوی  
به که افتد شاهی احمد را به دست  
سر ز سرداران یک کشور برد  
(عارف، ۱۳۶۴: ۳۰۲)

#### ۲-۷-۲- وزیر

موضوع دیگری که هدف تیغ تیز انتقاد شاعران پایداری در عصر مشروطه قرار گرفته وزیر یا همان صدر اعظم است. فرخی با بهره بردن از ضرب المثل طنزآمیز بغدادمان خراب است و نیز ترکیب عامیانه و شوخ پسند کاسه لیس، قوام السلطنه را به باد انتقاد گرفته است. او با طنزی نیشدار و پنهان، ایران را شام، قوام السلطنه را یزید، اطرافیان را ابن زیاد و سپاه کوفه قلمداد نموده است. در این تصویرسازی با کمک تشبیه مضمیر، مردم را نیز می توان اسیران کربلا دانست.

روز و شب آباد شد بغداد جمعی کاسه لیس  
همچو اهل کوفه از شام قوام السلطنه  
(فرخی؛ ۱۳۶۳: ۱۲۷)

این شعر را فرخی زمانی سرود که ضیغم الدوله قشقایی حاکم یزد بود. همین شعر سبب دوختن دهان فرخی و زندانی شدن وی شد. وی با کاربرد استعاره تهکمیه، ضیغم الدوله را فریدون خو و بت دانسته از وی خواسته ضحاک صفتی را کنار بگذارد.

عید جم شد ای فریدون خو! بت ایران پرست  
مستبدی خوی ضحاک است این خونۀ ز دست  
(فرخی؛ ۱۳۶۳: ۱۸۶)

در آموزه های دینی و اخلاقی، طبقه حاکمه باید همانند راعی و چوپان، نگهبان مردم و حافظ منافع ملی باشند. اگر نمایندگان مجلس که قانون گذاران جامعه هستند به خواب غفلت بروند و وزیران که باید مجری قانون باشند، مست و خراب باشند تمام دارایی ملت به تاراج بیگانگان می رود. عارف قزوینی با طنز تلخ خود این گونه عمق فاجعه را بازگو کرده است:

خوابند و کیلان و خرابند وزیران  
بردند به سرقت همه سیم و زر ایران  
(عارف؛ ۱۳۶۴، ۳۵۹)

#### ۲-۷-۳- مجلس

نمایندگان مجلس یا همان وکلای ملت کسانی بودند که با فریب مردم از آنان وکالت گرفتند تا در مجلس با تصویب جامع و کامل از منافع ملت دفاع کرده در جهت استیفای حقوق آنان تلاش کنند ولی عملاً مردم را فراموش کرده به فکر خود و وابستگان خویشند. فرخی با طنزی نیشدار نمایندگان مجلس را مارهای کشنده و کفتارهای درنده معرفی می کند و مردم را بشدت از آنها برحذر می دارد:

مارهای مجلسی دارای زهری مهلکند  
الحذر باری از آن مجلس که دارد مارها  
دفع این کفتارها گفتار نتواند نمود  
(فرخی؛ ۱۳۶۳: ۹۹)

فرخی با انتقاد از رفتار نمایندگان که با شعار حمایت از حقوق ملت به مجلس راه یافته عملاً حامی حقوق بیگانگان و دشمنان مردم شده‌اند آنان را رفیق قافله و شریک دزد گفته است:

با جامهٔ مُسْتَحْفَظِ در قافله دزدانند  
این راهزنان را طرد، از قافله باید کرد  
(فرخی؛ ۱۳۶۳: ۱۱۹)

شاعر با بهره‌گیری از تعبیر عامیانه "خرسواری" در تصویرسازی طنزنازانه خاص خود، نمایندگان را سوار بر گرده ملت و به تعبیر دیگر سوار بر خر مراد، ترسیم نموده است:

وکالت چون وزارت شد ردیف نام اشرافی  
چه خوب آموختند این قوم، علم خرسواری را  
(فرخی؛ ۱۳۶۳: ۸۲)

او در تصویرسازی دیگری حقوق و مواجب هنگفت و مرتب و منظم نمایندگان مجلس را به باد ریشخند و استهزا گرفته است. او با کاربرد واژه عامیانه "کلاش" تمام بار معنایی منفی و طنزآمیز این کلمه را بر دوش وکلا گذاشته گفته است از جیب مردم کلاشی می‌کنند:

پول تصویری مجلس نبد از ماه به ماه  
گرد آن کهنه حریف این همه کلاش نبود  
(فرخی؛ ۱۳۶۳: ۱۳۴)

عارف قزوینی چنان از عملکرد نمایندگان مجلس در پایمال کردن حقوق مردم به خشم آمده که گفته است باید در مجلس و نحوه انتخاب نمایندگان، انقلاب کرد! یکی از شیوه‌های انقلابی او اعدام همگی نمایندگان یک دوره مجلس است تا دیگر هیچ خیانت‌کاری به مجلس راه نیابد! وی بر چنین مجلسی که خاکش خائن پرور و دزدگزين است، نفرین می‌فرستد:

تا که یک دور وکیل آغشته  
نشود غرقه در خون کشته  
بر باد رفته باد هر آن مجلسی که هست  
خاکش وکیل خائن و دزد انتخاب کن  
(عارف؛ ۱۳۸۹: ۱۹۳)

یک نوع خاصی از نقیضه که در طنز نویسی پرکاربرد است نقیضهٔ تضمین نام دارد که تلفیقی است بین تضمین و نقیضه، بدین معنا که با استفاده از اشعار و ابیات معروف، کلمات قصار، ضرب‌المثلها و کنایات... طنز می‌سازیم» (طالبیان/ تسلیم جهرمی، ۱۳۸۸: ۳۱). فرخی هم با تهکمی ماندگار، خیانتکاران به کشور و ملت را اعم از وکیل و وزیر و سالار و سردار شایسته دار می‌داند. سردار گفتن او ضمن این که سر دار را تداعی می‌کند موهم معنای سردار سپه نیز هست: دارها چون شد به پا با دست کین بالا کشید  
بر سر آن دارها سالارها، سردارها  
(فرخی؛ ۱۳۶۳: ۹۹)

انقلاب مشروطه همانند طفل نوپایی بود که هنوز درست نیفتاده بود. در مملکتی به پیشینه تاریخی ایران که به درازنای تاریخ بشریت است برای نخستین سخن از قانون، حقوق اجتماعی، آزادی بیان، انتخابات و به دست گرفتن سرنوشت مردم گفته می‌شد. طبیعی بود که ظرفیت و زیرساخت اجتماعی آن آماده نبود و شالوده افکنی این موارد به خوبی انجام نگرفته بود. از بخت بد در این هنگامه، جنگ جهانی اول نیز شروع شد. درگیری ابرقدرت‌های آن زمان در جنگ، به خصوص روسیه و انگلستان که بیشترین دخالت را در امور ایران داشتند می‌توانست شرشان را از سر ملت ایران کم کند ولی تبعات جنگ خیلی زود گریبان‌گیر ایران شد. نامنی، هرج و مرج، ضعف قدرت مرکزی، کابینه‌هایی که با کودتا بر سر کار می‌آمدند باعث شد که مردم به همه دولت‌ها بدبین شوند. مثلاً فرخی در بحبوحه تاریخ مشروطه گفته است:

کابینه‌ها عموم سیاه است ز آن که هیچ  
کابینه سفید ندیدیم ما هنوز  
(فرخی؛ ۱۳۶۳: ۱۵۰)

وی در جای دیگری داشتن شهادت خود برای نقد کابینه به ویژه کابینه شخص مقتدری همچون قوام‌السلطنه را افتخاری بزرگ قلمداد می‌کند:



گر به نقادی کابینه نمی‌راند سخن خامه فرخی این قدر گهرپاش نبود (فرخی؛ ۱۳۶۳: ۱۳۴)

شبهه‌خوانی یا تعزیه یکی از دیرینه‌ترین مراسم عزاداری در ایران است. به همین جهت برای عموم مردم موضوعی آشناست. عارف قزوینی انتقاد از کابینه را در قالب یک صحنه تعزیه ترسیم کرده است و طبیعتاً تاثیرگذار هم بوده است:

|                                  |                                 |
|----------------------------------|---------------------------------|
| شده است هیئت کابینه تکیه‌ی دولت  | که شمر دیروز امروز می‌شود مختار |
| عروس قاسم روزی رقیه می‌گردد      | لباس مسلم می‌پوشد عابد بیمار    |
| همان که هنده شدی گاه می‌شود زینب | یزید هم زن خولی شود چو شد بیکا  |

(عارف، ۱۳۶۴: ۲۹۲)

فرخی در ادامه طنزهای همیشگی‌اش با کاربرد تهکمی طنزآمیز، مختصر و مفید، اوضاع مردم و داوطلبان نمایندگی مجلس را در آستانه انتخابات به تصویر کشیده است:

|                               |                                  |
|-------------------------------|----------------------------------|
| جوایای وکالت ز موکل نبود کم   | این دوره جگر سوختگان بس که فزوند |
| از جلوه طاووسی این خلق بترسید | کز راه دورنگی همه چون بوقلموند   |

(فرخی، ۱۳۶۳: ۱۳۶)

انتقاد دیگری از نمایندگان مجلس:

|                               |                              |
|-------------------------------|------------------------------|
| از یک طرفی مجلس ما شیک و قشنگ | از یک طرفی عرصه به ملیون تنگ |
| قانون و حکومت نظامی و فشار    | این است حکومت شتر گاو پلنگ   |

(فرخی، ۱۳۶۳: ۱۳۴۴)

او که گویا دل پری از نمایندگان مجلس دارد در انتقاد از آنان انواع مطالبات و طنزها را به خدمت می‌گیرد تا عمق فاجعه را بهتر نشان دهد:

|  |  |
|--|--|
| آنکه از آرا خریدن مسند عالی بگیرد      | مملکت را می‌فروشد تا که دلالی بگیرد    |
| یک ولایت را به غارت می‌دهد تا با جسارت | تحفه از حاکم ستاند، رشوه از والی بگیرد |
| از خیانت کور سازد آنکه چشم مملکت را    | چشم آن دارد زملت مزد کحالی بگیرد       |
| روی کرسی وکالت آنکه زد حرف از کسالت    | اجرت خمیازه خواهد، حق بی‌حالی بگیرد    |

(فرخی، ۱۳۶۳: ۱۴۰)

## ۲-۷-۴- نبود آزادی

مفاهیمی مانند آزادی، آزادی بیان، آزادی‌های فردی و آزادی‌های اجتماعی مقولات تازه‌ای بود که همراه با انقلاب مشروطه به ایران آمد. مردم برای نخستین بار متوجه شدند که حقوقی بر حاکمان دارند و آنها باید این حق‌ها را تادیه کنند. یکی از حقوق مسلم ملت که قرن‌ها پایمال شده بود، آزادی است. فرخی شاعر آزاده‌ای است که جان بر سر احقاق حق آزادی نهاد. او با تعابیر گوناگون آزادی را مطالبه و از تضییع این حق مسلم فریاد برداشته است:

|                                    |                                    |
|------------------------------------|------------------------------------|
| در گلستان جهان یک گل به آزادی نرسد | همچو من سرو چمن هم راستی آزاد نیست |
|------------------------------------|------------------------------------|

(فرخی؛ ۱۳۶۳: ۹۹)

به زعم شاعر، ملتی که آزاد نیست و برای آزادی تلاش نمی‌کند اصلاً زنده نیست. او بر این باور است که برای به دست آوردن آزادی اگر جان بدهند ارزش آن را دارد. به همین جهت محیط مردگان را استعاره از سرزمینی گفته است که در آن آزادی وجود ندارد:

|                                  |                                  |
|----------------------------------|----------------------------------|
| باید از اول بشوید دست از حق حیات | در محیط مردگان هرکس اقامت می‌کند |
|----------------------------------|----------------------------------|

(فرخی؛ ۱۳۶۳: ۱۳۴)

فرخی که در کاربرد استعاره‌های تهکمی در این دوره ید طولایی دارد، می‌گوید مجلس باید مدافع آزادی و قانونگذار آزادی باشد ولی به قدری اوضاع کشور خراب است که مجلس به جای حمایت، آزادی را محو می‌کند! در این تصویرسازی او، رد پای انتخابات فرمایشی و مجلس بله قربان‌گو و مطیع دیده می‌شود. به گفته وی درست است که مجلس داریم و در ظاهر آزادی هست ولی همانند پرنده‌ای شده‌ایم که در ظاهر آزاد ولی عملاً گرفتار بند و قفس است: با بودن مجلس بود آزادی ما محو چون مرغ که پا بسته ولی در قفسی نیست (فرخی؛ ۱۳۶۳: ۹۸).

## ۲-۷-۵- ظلم و ستم حکام

شکاف طبقاتی حاصل از تبعیض مالی و فاصله میان طبقه حاکم و طبقه محکوم برای قشرهای مردم دردناک و زجرآور است. به ویژه زمانی که فرمانروایان به جای همدردی با ستم‌کشیدگان جامعه، به عیاشی و شادخواری و خوشگذرانی در اروپا مشغول باشند فشار تبعیض بر گرده مردم بیشتر می‌شود.

کنایه طنزآمیز، شگردی سبک‌شناسانه یا آرایه ادبی است که در آن معنای واقعی کلمات از معنای مجازی آن‌ها متمایز و متضاد است. در این قسم از کنایه میان کنش و کلمات اخلاقی که آن عمل را بیان می‌کند، تجانس حاکم نیست. کنایه وقتی طنزآلود می‌شود که معنای حقیقی در تضاد با معنای ظاهری باشد. «در این نوع طنز، کشف مقصود گوینده، مستلزم دقت در عبارت‌ها و کندوکاو در معنی ضمنی کلمه‌ها و جمله‌هاست» (اسلامی‌راد؛ ۱۳۸۲: ۱۰). در انتقاد از رضاخان و ستمی که او و کارگزارانش به مردم کرده‌اند، فرخی یزدی که همانند دیگر شاعران من فردی‌اش همان من اجتماعی است با کاربرد کنایه طنزآمیز گفته:

|                                   |                                     |
|-----------------------------------|-------------------------------------|
| خسرو کشور ما تا بود این شیرین‌کار | لاله‌سان دیده‌ی مردم همه گلگون باشد |
| فرخی از کرم شاه شده قصرنشین       | به تو این منزل نو فرخ و میمون باشد  |

(فرخی؛ ۱۳۶۳: ۱۱۹)

وی در همدردی آشکار با محرومان اجتماع، با یک مقایسه طنزآمیز پیکر عریان کشاورزان ایران زمین در اثر فقر را با زیبارویان نیمه‌برهنه اروپا مقایسه کرده گفته است حاکمی که به خوشگذرانی با سیمین‌پیکران غربی اشتغال دارد کی می‌تواند از زحمتکشان وطن یاد کند!

|                                       |  |
|---------------------------------------|--|
| پیکر عریان دهقان را در ایران یاد نارد | آنکه در پاریس بوسد روی سیمین پیکران را |
|---------------------------------------|--|

(فرخی؛ ۱۳۶۳: ۸۴)

تشریف یا خلعت جامه فاخری بود که همراه یک سری هدایای منقول و نامنقول، صامت و ناطق و حتی چهارپا و مسکوک، پادشاه در ازای خدمتی پسندیده به کسی می‌داد. فرخی با به‌کارگیری استعاره تهکمی، ترکیب تشریف خیانت را ساخته است. شاعر در این بیت از شگرد نقیضه تضمین استفاده کرده است. با این تهکم گویا هر کس بیشتر خیانت کند حرمت و عزت بیشتری می‌بیند:

|                                |                                |
|--------------------------------|--------------------------------|
| دوخت تشریف خیانت گویا خیاط صنع | از برای زیب اندام قوام‌السلطنه |
|--------------------------------|--------------------------------|

(فرخی؛ ۱۳۶۳: ۱۲۷)

وی در سروده دیگری وثوق‌الدوله را همانند قوام‌السلطنه خیانت پیشه می‌داند. در این شعر نیز با تهکمی شاعرانه، پایداری صدر اعظم‌های ایران را نه برای حفظ آب و خاک بلکه در راه نابودی این مرز و بوم بازگو می‌کند:

|                                   |                                  |
|-----------------------------------|----------------------------------|
| چون وثوق‌الدوله خائن قوام‌السلطنه | بهر محو مرز ایران استقامت می‌کند |
|-----------------------------------|----------------------------------|

(فرخی؛ ۱۳۶۳: ۱۳۴)

شاعر با اشاره به دزدی‌ها و اختلاس‌های قوام‌السلطنه از ملت و بیت‌المال، از اینکه وی هنوز در مسند قدرت باقی مانده اظهار شگفتی کرده است. وی بر این باور است که تنها چیزی که این صدر اعظم ندارد حس وطن‌پرستی و نوع‌دوستی است در عوض در حد بسیار زیاد پروست. او در اینجا از شگرد طنز موقعیت بهره برده است. در این نوع، طنزپرداز با الفاظ چندان کار ندارد زیرا اساس طنز بر مفاهیم پایه‌گذاری شده است. زیرا طنز صحنه‌ای را خلق می‌نماید که تصورش مضحک است:

|                                     |                                      |
|-------------------------------------|--------------------------------------|
| پشت کرسی دزدیش مطرح شد و از رو نرفت | الحق این کم‌حس به پرویی کرامت می‌کند |
|-------------------------------------|--------------------------------------|

(فرخی؛ ۱۳۶۳: ۱۳۴)

عارف با بهره‌گیری از آرایه متناقض‌نمایی که معمولاً ژرف‌ساختش طنز و ریشخند است مملکت را خراب‌آبادی گفته که قابل مرمت نیست. به زعم شاعر "خانه از پای بست ویران است":

از این اساس غلط این بنای پایه بر آب نتیجه نیست به تعمیر این خراب‌آباد (عارف؛ ۱۳۶۴: ۲۸۱)

فرخی، با کاربرد تضاد در سر و پا و نیز بهره‌گیری از مجاز به علاقه‌ماکان، ایران را کشور جم و ایرانیان را فرزندان نژاده شاهان بزرگی همچون کورش خوانده است. طنز او در بی‌تفاوتی فرزندان ایران به ستمی است که فرمانروایان ظالم بر آنها روا می‌دارند. به بیان تهکم‌آمیز او، ای ایرانی مگر تو فرزند سیروس نیستی؟ کشور جم سر به سر پامال شد از دست رفت پور سیروس ای خدا تا کی تحمل می‌کند؟ (فرخی؛ ۱۳۶۳: ۱۲۹)

گاهی ستم ستمگران چنان عرصه را بر انسان تنگ می‌کند که ممکن است آرزوی مرگ نماید! عارف فشار ظالمانه حکام جائز را بر ملت به قدری گسترده و فراگیر می‌بیند که مرگ را بر این نحوه زندگی برتر می‌داند. وی با تلمیح تهکمانه به این بیت حافظ که گفته است:

هر چه هست از قامت ناساز بی اندام ماست ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست (حافظ: ۱۳۷۵ غ ۷۱)

با استعاره تهکمیه چنین سروده: پایان حیات ملت‌ها مرگ است. من نمی‌دانم چرا جامه مرگ بر اندام جامعه ستم کشیده ایران کوتاه و زشت است! لباس مرگ بر اندام عالمی زیباست چه شد که کوتاه و زشت این قبا به قامت ماست (عارف؛ ۱۳۶۴: ۲۰۵)

در این بیت عارف از شگرد تحقیر و دشنام استفاده کرده است و به تعریض مردم را به مردگانی مانند نموده که حتی لباس مرگ به قامتشان برانزده نیست. طنز و ریشخند دیگری که قریب به این مضمون می‌توان ذکر نمود طنز فرخی یزدی است. وی با به کارگیری آرایه انسان‌نمایی یا تشخیص، سرمایه‌داری را عامل اصلی فقر و تهی‌دستی مردم معرفی کرده است. در این تصویرسازی استهزاء‌آمیز، غنا و ثروت با ابرام! تهی‌دستی را به مردم تحمیل کرده است. به همین جهت شاعر به سرمایه‌داری نفرین کرده از خدا می‌خواهد همان‌گونه که مردم را خانه خراب کرد، خانه خرابش نماید: غنا با پافشاری کرد ایجاد تهی‌دستی خدا ویران نماید خانه سرمایه‌داری را (فرخی؛ ۱۳۶۳: ۸۲)

داغ یا نشان پیشانی از دیرهنگام تا اکنون نشانه‌ای برای مردم فریبی و ریاکاری بوده است. به گونه‌ای که ترکیب داغ پیشانی بیش از آنکه بار مثبت داشته باشد نوعی استعاره تهکمیه است. چنانچه سعدی نیز گفته:

طاعت آن نیست که بر خاک نهی پیشانی صدق پیش آر که اخلاص به پیشانی نیست (سعدی: ۷)

کسانی را که با عوام‌فریبی خود را وطن‌دوست معرفی کرده بر سر مردم مسلط شده‌اند فرخی به باد استهزا گرفته با استفاده از تناسب بین داغی و گرمی، گفته است داغ پیشانی آنها صرفاً بازارگرمی جهت فریب مردم بود زیرا به محض تسلط بر مردم، ستمگری را آغاز نهادند: بود یک چندی به پیشانیش اگر داغ وطن شد عیان کان داغ بهر گرمی بازار بود (فرخی؛ ۱۳۶۳: ۱۲۲)

گاهی شاعر برای نشان دادن اوج ستمگری و نهایت خونریزی فرمانروایان، به عنوان شاهد مثال از حاکمان و فرمانروایانی شاهد می‌آورد که در خونریزی، مشهور و ضرب‌المثل هستند. در تاریخ روم نرون امپراتوری که در سده نخست میلادی با خونریزی بیش از ده سال حکومت کرد. نرون نه تنها مادرش را که او را به قدرت رساند، کشت خون هر مخالفی را نیز ریخت. در تاریخ ایران هم چنگیز فرمانروای تاتار در خونریزی شهره است. چنگیز در اوایل سده هفتم هجری، به ایران حمله کرد و کشت و سوخت و برد! فرخی با مقایسه فرمانروایان خونریز ایران عهد خودش با چنگیز و نرون، آنها را چند برابر بدتر و ستمگرتر از نرون و چنگیز معرفی می‌کند:

آنچه باقی مانده از دربار چنگیز و نرون بار بار آورده و سر بار ایرانی کنند (فرخی؛ ۱۳۶۳: ۱۱۸)

ستم و جور حاکمان بر مردم گاهی در شکل و شیوه مصادره اموال و دست درازی به حقوق آنها متجلی می‌شود. آنها با عناوین مختلف از جمله مالیات، عوارض، پای‌مزد، دندان‌مزد و... به دزدی از اموال مردم می‌پرداختند. در عصر مشروطه به ویژه در سایه بی‌قانونی‌های ناشی از جنگ جهانی اول، زورمندان حاکم بی‌رسمی‌های زیادی را مرتکب می‌شدند. عارف با تعبیری طنزآمیز برای نشان‌دادن اوج نامردمی و دزدی‌های آشکار حاکمان از اموال عمومی و خصوصی مردم، مملکت را دزدبازار و حاکمان را دزد و راهزن گفته است:

توصحت عمل از دزد و راهزن مطلب از آنکه مملکت امروز دزد بازار است (عارف؛ ۱۳۶۴: ۲۲۰)

## ۲-۷-۶- تقبیح دخالت بیگانگان

آشنایی جدی ایرانیان با اروپا از اعزام دانشجویان شروع شد. جوانان جویای نام و نان که از محیط بسته ایران پای به جامعه مدنی و محیط باز اروپا با پیشرفت‌های خیره‌کننده‌اش می‌گذشتند مات و مبهوت می‌شدند. اختلاف محیط و تفاوت علمی و اجتماعی و فرهنگی بین دو جامعه در بسیاری موارد سبب وادادگی ایرانیان می‌گردید. بسیاری از فرنگ‌رفته‌ها آنچنان شیفته و مجذوب فرهنگ مغرب زمین شده بودند که آب و خاک و میهن خویش را به بیگانه ترجیح دادند. آنها خواسته و نخواستہ جزو کارگزاران بی‌چیره و مواجب دولت‌های استعماری و جاسوس پرور اروپایی می‌شدند. به اینکه برخی از فرنگ‌رفته‌ها به لحاظ داشتن تحصیلات عالی به مقام و پست‌های اجرایی بالایی نیز می‌رسیدند و کار را برای استعمارگرانی همانند روسیه و انگلستان آسان‌تر می‌نمود. عارف شاعر مردم-دوست و وطن‌پرست ایرانی با انتقاد از این همه خودباختگی در برابر بیگانگان گفته است:

بیگانه را به خانه دوصد امتیاز داد در خانه باز در به رخ آشنا نکرد (عارف؛ ۱۳۶۴: ۲۶۵)

وی با تقبیح بیگانه دوستی سفارش کرده است به جای دوستی با دشمن، باید بیگانه را از این کشور بیرون راند. وی در مقایسه‌ای طنزآلود، دزد داخلی را بر دشمن خارجی ترجیح می‌دهد:

تو باید عذر این ناخوانده مهمان را از این منزل بخواهی دزد را من دوست‌تر از این میهمان دارم (عارف؛ ۱۳۶۴: ۴۲۴)

طنز کلامی و تهکم تعبیری مهم‌ترین نوع طنز است که به طور سنتی از آن به استعاره و هم‌چنین کنایه طنزآمیز هم یاد می‌شود. در این نوع طنز، شخص با بیان صریح و روشن، بیان می‌کند که هدف او خلق موقعیتی متفاوت است. هرگاه این نوع کاربرد با طعن، طنز و هجو همراه باشد، با مفهوم تهکم ارتباط پیدا می‌کند (غلامحسین زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۲-۴۱). فرخی برای بیدار کردن و هشامی مردم، افتخارات آنها را یادآور می‌شود. به باور او، زمانی که مغرب زمین در بربریت مطلق و تاریکی تمدنی محض بود، ایران صاحب فرهنگ و بزرگترین تمدن آن روزگار شمرده می‌شد. وی با افسوس و حسرت با کاربرد طنز کلامی یا تهکم تعبیری، دولتمردان را به باد انتقاد گرفته با زبان طنز می‌گوید ایران که زمانی مهد پهلوانانی همچون زال و رستم بوده چرا با وادادگی شما در برابر بیگانگان، اکنون لگدکوب روسیه و انگلیس شده است؟

جای زال و رستم و گودرز و گیو و طوس بود نی چنین پامال جور انگلیس و روس بود (فرخی؛ ۱۳۶۳: ۱۸۶)

شاعر در جای دیگری با کاربرد استعاره تهکمیه، عمق فاجعه و نهایت نارضایتی مردم را از نفوذ و تسلط بیگانگان به تصویر کشیده است. این تعریض و تهکم فرخی گویی در پاسخ بیگانه پرستانی است که سلطه امثال بریتانیا را نعمتی برای مردم و کشور قلمداد می‌کردند:

با چنین نعمت که می‌بینند این مردم رواست شکرها تقدیم دربار بریتانی کنند (فرخی؛ ۱۳۶۳: ۱۱۸)

برای بیان اوج بدبختی مردم ایران در اثر نفوذ بیگانگان، عارف قزوینی با کاربرد طنز گزنده‌ای گفته است بیگانگان تمام ثروت و داشته‌های ایران را به تاراج برده‌اند به گونه‌ای که حتی آب و خاک ما را نیز غارت کرده‌اند. به همین جهت با بیان کنایه‌آمیز و بهره بردن از شگرد طنز تهکم و تحکم! با شوخی حکم کرده و گفته است اگر قدری از خاک وطن به دست رسید همان را بر سرت بریز تا نخواهی به خاک بیگانه دست بزنی!!

از اشک همه روی زمین زیر و زبر کن مشتی گرت از خاک وطن هست به سر کن (عارف؛ ۱۳۶۴، ۳۵۹)

فرخی با کاربرد آیرونی حتی آبادانی چین و نزهتگاه شدن آن را به خاطر غارت بیگانگان از ایران گفته است. ویژگی آیرونی در بیان حوادث غیر منتظره و کشف-های ناگهانی در اثر است؛ زیرا این گونه امور ناگهانی گاه نحوه تلقی خواننده را از متن تغییر می‌دهد یا برداشت دیگری ایجاد می‌نماید. در این تصویرسازی که بر اساس تاراج ثروت ملی به دست بیگانگان ساخته شده مخاطب انتظار ندارد پای چین به میان کشیده شود ولی فرخی این کار را کرده است:

هر قطره شود بحری و آید به تلاطم  
این خون شهیدان که به نزهتگه چین ریخت (فرخی؛ ۱۳۶۳: ۹۹)

## ۲-۷-۷- جهل و غفلت مردم

یکی از دردهای اصلی جامعه ایرانی که در بیشتر شعرهای پایداری مشروطه بازتاب دارد نادانی؛ غفلت و بی‌تفاوتی مردم نسبت به سرنوشت‌شان است. گویی قرن‌ها تحمل حکام مستبد آنها را به باور رسانده است که هیچ کاری از دست آنان ساخته نیست و باید به سرنوشت خود خرسند باشند. شاعران مشروطه که خود از طیف روشنفکران جامعه هستند این درد را با تمام وجود حس کرده در پی درمانش هستند:

نصیب مردم دانا به جز خون جگر نبود  
در آن کشور که خلقت کرده عادت هرزه‌گردی را (فرخی؛ ۱۳۶۳: ۸۲)

عارف با به کارگیری شگرد طنز تهکم و تقابل، شیخ را در برابر رعیت قرار داده گفته است کار مال رعیت است و باید همچون خر و گاو کار کند:

مرد رعیت به پشت گاو چو خر، شیخ  
تن ندهد زیر بار کار علی جان (عارف؛ ۱۳۶۴، ۳۰۶)

وی از این شگرد در تصویرسازی دیگری نیز بهره برده است. او ملت غافل از جهان و بی‌تفاوت به سرنوشت خویش را همانند گوسفندانی فرض کرده که آسوده و بی‌خیال در آغل آرامیده‌اند. در این تصویر تقابل گوسفند و مردم برجسته است:

ببین چه غافل و آرام خفته این ملت  
چو گوسفند در آرامگاه پوشالی (عارف؛ ۱۳۶۴، ۲۶۴)

گویی کنایه یک تار مو باز نشدن موضوع یا حل نشدن مشکل یا به اندازه یک تار مو از کسی نترسیدن و واهمه نداشتن در این دوره کنایه‌ای مرسوم بوده است. هر دو شاعر با کاربرد این کنایه مفاهیم طنزی از آن ساخته‌اند. فرخی گفته است هر کس گرفتار این شرایط ظالمانه از سوی بیگانگان شود به اندازه یک سر مو عقده‌ای از دلش گشوده نمی‌گردد در این غفلت همگانی شاید باد بتواند مشکل گشا باشد. عارف با اشاره به سپاه و سردار سپه پوشالی که در غفلت مردم، توهم بزرگی و قدرتمندی زده بودند حال آن که بیگانگان به اندازه یک سر مو از آنان واهمه‌ای نداشتند و ایران را در حالی که اعلام بی‌طرفی کرده بود توسط دولت‌های غالب جنگ جهانی اول اشغال نمودند اشاره کرده است:

وانشد از شانه یک مو عقده از کار دلم  
به قدر یک سر مویی عدو نیندیشد  
در خم زلفت کسی مشکل گشا چون باد نیست (فرخی؛ ۱۳۶۳: ۹۹)  
از این سپهبد و از این سپاه پوشالی (عارف؛ ۱۳۶۴، ۲۶۴)

استعاره تهکمی همانند سایر انواع استعاره مثل مصرحه، مرشحه و... ابلغ از تشبیه است. به همین جهت شاعران با کاربرد استعاره تهکمی بهتر و سریع‌تر مقصود خود را می‌رسانند. فرخی تصریح می‌کند با این شرایط غفلت‌انگیز که ملت در بی‌خبری از سرنوشت‌شان هستند، دیگر در ایران مردی پا به عرصه وجود نمی‌گذارد و در عوض باید همانند زنان به رامشگری بپردازند:

مادر ایران عقیم آمد برای مرد زادن  
همچو زن‌ها پیروی کن صنعت رامشگران را (فرخی؛ ۱۳۶۳: ۸۴)

وی در انتقاد از مردمی که به آسانی تن به خواری می‌دهند تا حاکمان جائز حقشان را بخورند با استعاره تهکمی این گونه تصویرسازی کرده است:

اشراف عزیز نکته‌سنج من و تو  
تا بی‌حس و جاهلیم یک سر من و تو  
چون مار نشسته روی گنج من و تو  
پامال کنند دسترنج من و تو (فرخی؛ ۱۳۶۳: ۲۵۵)

## نتیجه‌گیری

طنز مانند دیگر مشخصه‌های شعری ابزاری است در دست شاعر و به واسطه ویژگی‌هایش بر اندیشه‌های منتقدانه تکیه دارد. فرخی یزدی و عارف قزوینی به عنوان شاعرانی مردمی، با ابزار شعر، حضور مردم و بی‌تفاوت نبودن آنها را نسبت به مسائل سیاسی نمایانده‌اند. بیشترین نمونه‌های طنز در آثار آنان طنز سیاسی است. طنز آنها نسبت به مسائل اجتماعی طنزی تلخ و گزنده است. شرایط خفقان‌آور اجتماع، امکان بیان مشکلات به صورت صریح را به هنرمند نمی‌دهد و شاعر متعهد ناچار به طنز روی می‌آورد و در پوشش صنایع ادبی از نابسامانی‌های جامعه شکایت می‌کند. سراینده‌گان شعر پایداری مشروطه مسائل سیاسی - اجتماعی روزگار خود را با بیان طنز و با شگردهای مختلف به تصویر می‌کشند و غیر مستقیم زمانه‌ای را که در آن خفقان به اوج رسیده بود، نقد می‌کنند. از موضوعات مهمی که دستمایه مضمون‌سازی شاعران پایداری در عصر مشروطه قرار گرفته می‌توان به این موارد اشاره کرد: نقد طبقه حاکمه اعم از شاه و وزیر و وکیل؛ اعتراض به نبودن آزادی در جامعه چه آزادی‌های فردی چه اجتماعی چه آزادی بیان؛ بازتاب ستم و ظلم فرمانروایان بر مردم و کشور؛ تقبیح دخالت بیگانگان به ویژه روسیه و انگلستان در امور داخلی ایران و غارت ثروت کشور؛ برجسته‌سازی غفلت مردم از اخبار و رویدادهای جهانی و کشورهای همسایه که ناشی از نادانی و کم‌دانشی ملت بود. نقد دولتمردان در شعر فرخی و عارف بیشتر در شگرد آیرونی بازتاب دارد. شاعر به گونه‌ای تصویرسازی کرده که گویی قصد تعریف و تمجید از آنان را دارد ولی مخاطب ناگهان با نقد تند و زننده طبقه حاکمه مواجه می‌شود. شاعرانی همانند فرخی یزدی و عارف قزوینی، با بهره‌گیری از ابزار زبانی و بیانی به ویژه زبان تیز و گزنده طنز اهداف خود را پی گرفته‌اند. مثلاً شکاف طبقاتی حاصل از تبعیض مالی و فاصله میان طبقه حاکم و طبقه محکوم برای قشرهای مردم دردناک و زجرآور است. به ویژه زمانی که فرمانروایان به جای همدردی با ستم‌کشیدگان جامعه، به عیاشی و شادخواری و خوشگذرانی در اروپا مشغول باشند. مفاهیمی مانند آزادی، آزادی بیان، آزادی‌های فردی و آزادی‌های اجتماعی مقولات تازه‌ای بود که همراه با انقلاب مشروطه به ایران آمد. مردم برای نخستین بار متوجه شدند که حقوقی نیز دارند. یکی از حقوق مسلم ملت که قرن‌ها پامال شده بود، آزادی بود. از قدیم‌الایام پادشاهان خود را سایه خدا و صاحب قدرت بلامنازع و دارای اختیار نامحدود قلمداد می‌کردند. به عبارت دیگر آنان خود را نه فقط شاه بلکه مالک جان و مال و ناموس ملت می‌دانستند. نمایندگان مجلس همان کسانی بودند که با فریب مردم وکالت گرفتند تا در مجلس از منافع ملت دفاع کنند ولی عملاً مردم را فراموش کرده به فکر خود و وابستگان خویشند. انقلاب مشروطه همانند طفل نوپایی بود که هنوز درست راه نیفتاده بود. در مملکتی به پیشینه تاریخی ایران برای نخستین سخن از قانون، حقوق اجتماعی، آزادی بیان و انتخابات گفته می‌شد. گاهی شاعر برای نشان دادن اوج ستمگری و نهایت خونریزی فرمانروایان، به عنوان شاهد مثال از حاکمان و فرمانروایانی شاهد می‌آورد که در خونریزی، مشهور و ضرب‌المثل هستند همانند نرون در تاریخ روم و چنگیز در ایران. این دسته طنزهای شاعران بیشتر با شگرد تهکم و تقابل بازگو کرده‌اند. ستم و جور حاکمان بر مردم گاهی در شکل و شیوه مصادره اموال و دست‌درازی به حقوق آنها متجلی می‌شود. آنها با عناوین مختلف از جمله مالیات، عوارض به دزدی از اموال مردم می‌پرداختند. بسیاری از فرنگ‌رفته‌ها آنچنان شیفته و مجذوب فرهنگ مغرب زمین شده بودند که آب و خاک و میهن خویش را به بیگانه ترجیح دادند. آنها خواسته و نخواسته جزو کارگزاران بی‌جیره و موجب دولت‌های استعماری اروپایی می‌شدند. برخی از فرنگ‌رفته‌ها به لحاظ داشتن تحصیلات عالی به مقام و پست‌های اجرایی بالایی نیز می‌رسیدند و کار را برای روسیه و انگلستان آسان‌تر می‌نمودند. یکی از دردهای اصلی جامعه ایرانی که در بیشتر شعرهای پایداری مشروطه بازتاب دارد نادانی؛ غفلت و بی‌تفاوتی مردم نسبت به سرنوشت‌شان است. گویی قرن‌ها تحمل حکام مستبد آنها را به باور رسانده که هیچ کاری از دست آنان ساخته نیست و باید به سرنوشت خود خرسند باشند. تحقیر و تمسخر این قسم افراد دستمایه طنزپردازی فرخی و عارف قرار گرفته بیشتر با شگرد تهکم و تقابل بر آنان تاخته‌اند.

## منابع

- ۱- قرآن کریم. (۱۳۷۱). ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: سروش.
- ۲- اسلامی‌زاد، زهرا (۱۳۸۲). راز طنز آوری. میراث شهاب. شماره ۱۳ و ۱۴.
- ۳- آقاحسینی، حسین (۱۳۸۲). نقد و تحلیلی بر استعاره عنادیه در کتب بلاغی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۳.
- ۴- بهره‌مند، زهرا (۱۳۶۱). آبرونی و تفاوت‌های آن با طنز و صنایع بلاغی مشابه، فصل‌نامه زبان و ادب پارسی، شماره ۴۵، صص ۱۰-۴۶.
- ۵- پاینده، حسین (۱۳۸۵). نقد ادبی و دموکراسی. تهران: نیلوفر.
- ۶- تفتازانی، سعدالدین (۱۴۱۱). مختصر المعانی، چاپ هشتم، قم، دارالفکر.
- ۷- توکلی مقدم، صفیه و دیگران (۱۳۹۳). شگردهای طنزپردازی در رمان مدار صفر درجه، احمد محمود، مطالعات داستانی، سال دوم، شماره سوم، بهار.
- ۸- حائری، هادی (۱۳۶۴). عارف قزوینی شاعر ملی ایران، تهران: جاویدان.
- ۹- حاتمی، حافظ (۱۳۹۵). زاهد عالی مقام (صنعت تهکم در شعر حافظ)، پژوهش‌های ادبی و بلاغی، سال چهارم، شماره ۱۶ پاییز، صص ۹۱-۱۰۰.
- ۱۰- حافظ شیرازی (۱۳۷۵). دیوان حافظ، پرویز ناتل خانلری، ج ۲. تهران: خوارزمی.
- ۱۱- خرشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۴). تأملی انتقادی بر مقاله استاد شفیع کدکنی، بخش سوم، حافظ، شماره ۲۳، صص ۷۳-۷۴.
- ۱۲- داد، سیما (۱۳۸۳). فرهنگ اصطلاحات ادبی. چاپ دوم، تهران: مروارید.
- ۱۳- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵). لغت‌نامه، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۴- شبان قوچان عتیق، کبری و دیگران (۱۳۹۹). تحلیل شگردهای هنری آبرونی در اشعار سعدی شیرازی، فصل‌نامه تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا) دوره ۱۲، شماره ۴۴، تابستان، صص ۱۹۱ تا ۲۱۸.
- ۱۵- شفیع کدکنی (۱۳۸۰). طنز حافظ، سالنامه گل‌آقا، تهران.
- ۱۶- شکر، غالی (۱۳۶۶). ادب مقاومت، ترجمه محمدحسین روحانی، تهران، نو.
- ۱۷- شمیسا، سیروس (۱۳۸۷). بیان، تهران، میترا، سوم.
- ۱۸- صالح ساداتی، سیده صغری و علی‌رضا فولادی (۱۳۹۵). بررسی انواع طنز و شگردهای طنزپردازی در اشعار مهدی اخوان ثالث، مجموعه مقالات یازدهمین گردهمایی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی، گیلان.
- ۱۹- طالبیان، یحیی و فاطمه تسلیم جهرمی (۱۳۸۸). ویژگی‌های زبان طنز و مطایبه در کاریکلماتورها، فنون ادبی، دانشگاه اصفهان، ش ۱، ص ۴۰.
- ۲۰- عارف قزوینی (۱۳۸۹)، دیوان، به کوشش مهدی نورمحمدی، تهران: سخن.
- ۲۱- غلامحسین زاده و دیگران (۱۳۹۰). مقایسه آبرونی با صناعات بلاغی فارسی، فصل‌نامه زبان و ادبیات فارسی سال ۱۹، شماره ۷۰، صص ۱۰۷-۱۳۵.
- ۲۲- فتوحی، محمود (۱۳۹۱). سبک‌شناسی و نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن.
- ۲۳- فرخی یزدی (۱۳۶۳). دیوان، به کوشش حسین مکی، هفتم، تهران: امیرکبیر.
- ۲۴- کاکایی، عبدالجبار (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان، چاپ دوم، تهران، پالیزبان.
- ۲۵- گوهری، محسن (۱۳۸۹). اصالت سبک شعر پایداری ایلام با محوریت اشعار پایداری عبدالجبار کاکایی و عبدالحسین رحمتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اراک.
- ۲۶- مولایی‌نیا و همکاران (۱۳۹۳). بررسی اغراض بلاغی اسلوب‌های تهکم و استهزاء در قرآن کریم، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال دوم، شماره دوم.
- ۲۷- میرصادقی، جمال (۱۳۷۷). واژه‌نویسی‌نامه هنر داستان. تهران: کتاب مهناز.
- ۲۸- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). داستان‌نویس‌های نام‌آور معاصر ایران. تهران: اشاره.
- ۲۹- همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۳). فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ بیست و دوم، تهران: هما.

## The Function of Satire and Ironical Metaphor in Resistance Literature of the Constitutional Revolution

Marzieh Ghasemi Jojili<sup>1</sup>, Mohammad Reza Yousefi<sup>2\*</sup>, Reza Fahimi<sup>3</sup>

<sup>1</sup>(PhD student, Department of Persian Language and Literature, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran)

<sup>2</sup> (Associate Professor of Persian Language and Literature, University of Qom, Qom, Iran)

<sup>3</sup> (Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran)

Email: [myousefi46@yahoo.com](mailto:myousefi46@yahoo.com) (Responsible author)

### Abstract

*The Constitutional Revolution era is one of the most brilliant periods of Persian resistance poetry. Poets of this time effectively employed poetic tools to enlighten the public and articulate fundamental rights that had been denied to them for centuries. Satire was one of the most impactful methods used, mitigating the harshness of criticism against the government and social issues with the sweetness of wit. Sarcastic metaphor has long been a prevalent technique in satire, especially social satire, and in this period, it was further influenced by Western literature with the addition of irony. This paper employs a descriptive-analytical approach to examine the function of satire, particularly the use of sarcastic metaphor, in the resistance poetry of the Constitutional Revolution, with a focus on Farrokhi Yazdi and Aref Qazvini. The findings reveal that these poets satirized five main themes: criticism of government officials, including the Shah, ministers, and representatives; the absence of freedom of speech, individual, and social liberties; the tyranny of rulers over the country and its people; condemnation of foreign interference, especially by Russia and England; and highlighting the ignorance, neglect, and illiteracy of the people. Through the sweet language of satire, these poets ridiculed the self-proclaimed gods among men. Sarcastic metaphor served as a means for poets to evade the consequences of their sharp criticisms of the powerful, as it could be interpreted as a joke or jest. The research indicates that criticism of the ruling class was more frequently expressed through irony, while the reflection of their oppression of the people was conveyed through sarcasm and contrast. Moreover, themes such as criticism of foreign interference were manifested in the form of verbal satire or metaphorical sarcasm.*

**Keywords:** resistance poetry, Constitutional Revolution, satire, sarcastic metaphor, Farrokhi Yazdi, Aref Qazvini.